یک جرعه نور

یقین به قیامت؛ چراغ راه زندگی

احمد عدالتیان| در ادامه مرور سوره‌های کوچک قرآن کریم، بخش دوم سوره مبارک تکاثر را باهم تلاوت می‌کنیم که خداوند متعال می‌فرماید: «**كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ؛ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ؛ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ؛ ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ**: چنین نیست [که می‌پندارید]، اگر شما [به آخرت] علم یقینی داشتید، قطعاً دوزخ را می‌دیدید، سپس آن را با عین‌الیقین می‌دیدید، سپس در آن روز از نعمت‌ها سؤال خواهید شد.»

در بخش اول این سوره گفتیم که فخرفروشی و زیاده‌خواهی، گناهی است که به‌دلیل غفلت از آینده و روز قیامت، بروز می‌کند و در بخش دوم سوره، خداوند متعال سزای فخرفروشان را دوزخ می‌داند.

نکته مهم سوره، درباره یقین و باور قلبی است که عمیق‌تر از دانستن است و درجاتی دارد. اگر گنهکار علم‌الیقین داشته باشد، دوزخ را باور می‌کند و اگر عین‌الیقین داشته باشد، دوزخ را جلوی چشمش می‌بیند و دیگر به امور جزئی و بی‌اهمیتی مثل مال‌اندوزی و احتکار مشغول نمی‌شود، چه رسد به اینکه بخواهد با اموالی که به انسان وفادار نیستند، به دیگران فخرفروشی کند.

براساس روایات، نشانه یقین، توکل بر خداوند، تسلیم او شدن، راضی بودن به مقدرات او و واگذاری امور به اوست. از طریق ایمان و یقین است که انسان می‌تواند آینده را ببیند و چراغ راهی برای ادامه زندگی خود داشته باشد.

باید برای رسیدن به چنین یقین و شناختی از حقایق، تلاش کرد تا از خطرات قیامت درامان بود، اما کسانی که به دنیا سرگرم هستند، هرگز به درجه یقین نمی‌رسند.

نکته آخر اینکه حساب‌وکتاب روز قیامت، براساس امکانات و نعمت‌هایی است که خداوند به هر انسانی داده است و برای هر فرد، متفاوت از دیگری خواهد بود.

مشاوره

چرا به خودم قول می‌دهم و زیر قولم می‌زنم؟

علیرضا وکیلی| چند بار با خودمان قرار گذاشته‌ایم که از فردا همه‌چیز عوض شود؟ از فردا ورزش کنم، کمتر عصبانی شوم، نمازهایم را اول وقت بخوانم، کمتر در فضای مجازی وقت بگذرانم یا با همسر و فرزندم مهربان‌تر باشم. اما چند روز بعد، دوباره همان آدم قبلی شده‌ایم. تکرار این اتفاق، فقط یک عادت بد نیست، بلکه کم‌کم اعتماد انسان به خودش را از بین می‌برد. وقتی بارها زیر قولی که به خودمان داده‌ایم می‌زنیم، در ذهنمان این باور شکل می‌گیرد که «من آدم تغییر کردن نیستم» و این، آغاز ناامیدی است.

واقعیت این است که مشکل بیشتر ما، ضعف اراده نیست؛ اشتباه در روش تغییر است. ما معمولا در اوج هیجان تصمیم می‌گیریم، اما برای روزهای بی‌حوصلگی و خستگی، برنامه‌ای نداریم؛ به همین دلیل، تصمیم‌هایمان با اولین مانع فرومی‌ریزد.

قرآن کریم نیز تغییر را یک اتفاق ناگهانی نمی‌داند. خداوند می‌فرماید: «**إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ**.» (**رعد/۱۱**). این تغییر، از یک انتخاب کوچک و مداوم آغاز می‌شود، نه از تصمیم‌های بزرگ و هیجانی. در روایات نیز محبوب‌ترین عمل نزد خدا، عملی معرفی شده است که پیوسته انجام شود؛ هرچند اندک باشد. این یعنی خدا از ما قهرمان یک‌روزه نمی‌خواهد.

باید به‌جای اینکه برای خودتان ۱۰تصمیم بگیرید، فقط یک عادت کوچک را انتخاب کنید. اگر می‌خواهید اهل مطالعه شوید، با پنج دقیقه شروع کنید، نه یک ساعت. اگر می‌خواهید رابطه‌تان با خدا بهتر شود، از خواندن دو دقیقه قرآن بعد از نماز آغاز کنید، نه یک برنامه سنگین که چند روز بیشتر دوام نیاورد.

دوم، به‌جای اینکه بگویید «باید این کار را انجام بدهم»، از خودتان بپرسید: «من می‌خواهم چگونه آدمی باشم؟» وقتی هویت تغییر کند، رفتار هم کم‌کم تغییر می‌کند. کسی که خودش را «فردی مسئولیت‌پذیر» می‌داند، حتی اگر یک روز شکست بخورد، دوباره از نو شروع می‌کند.

و اگر یک روز به قولتان عمل نکردید، همه‌چیز را خراب‌شده ندانید. زمین خوردن، پایان راه نیست؛ پایان راه، زمانی است که دیگر بلند نشویم.

تغییر واقعی، با یک تصمیم بزرگ آغاز نمی‌شود؛ با قدم‌های کوچک و ادامه‌دادن آن‌ها، آغاز می‌شود. شاید بزرگ‌ترین پیروزی این نباشد که هیچ‌وقت شکست نخوریم، بلکه این باشد که هربار، زودتر از قبل دوباره برخیزیم.

سیره بزرگان

دستمال اشکم را در کفنم بگذارید



سمانه رضوانی| آیت‌الله‌العظمی سید شهاب‌الدین مرعشی نجفی، یکی از بزرگ‌ترین علمای شیعه بود. او در سال ۱۲۷۶ هجری شمسی در شهر نجف به دنیا آمد و از کودکی درس خواندن را شروع کرد. سال‌ها در محضر استادان بزرگی مثل شیخ عبدالکریم حائری یزدی (بنیان‌گذار حوزه علمیه قم) و همچنین عارف نامدار، میرزاجواد ملکی‌تبریزی، دانش آموخت و در بیست‌وهفت‌سالگی به درجه اجتهاد رسید. آیت‌الله بعدها به شهر قم رفت و سال‌ها به تدریس و تربیت شاگردان پرداخت.

سیره عملی در ماه محرم و صفر

آیت‌الله مرعشی‌نجفی هرسال با شروع ماه محرم، لباس سیاه می‌پوشید و این کار را تا آخر ماه صفر ادامه می‌داد. لباس سیاه برای او نشانه غم و اندوه بزرگ برای مصیبت‌هایی بود که بر اهل‌بیت پیامبر(ص) وارد شده بود. وقتی وصیت می‌نوشت، از فرزندانش خواسته بود همان لباس سیاهی را که هرسال در این دو ماه می‌پوشید، در کفنش بگذارند و با او دفن کنند. اما نکته مهم‌تر، سفارش درباره یک دستمال بود. او سال‌ها در مراسم روضه و عزاداری، دستمالی همراه داشت و وقتی برای امام حسین(ع) گریه می‌کرد، اشک‌هایش را با آن پاک می‌کرد. آیت‌الله مرعشی در وصیت خود نوشت: «دستمالی را که اشک‌های زیادی در رثای جدم، حسین مظلوم و اهل‌بیتش ریخته‌ام و صورتم را با آن پاک کرده‌ام، روی سینه‌ام در کفنم بگذارید.» فرزندانش می‌گویند که بعد از فوت پدر، هرچه گشتند، آن دستمال را پیدا نکردند. اما وقتی نوبت به کفن کردن رسید و پارچه کفن را باز کردند، ناگهان دیدند که خود مرحوم مرعشی، قبل از رفتن به بیمارستان، دستمال را لابه‌لای کفنش گذاشته است. گویی خودش می‌دانست که این آخرین سفر است و خواسته بود این دستمال اشک‌آلود، همراهش باشد تا در آن دنیا، شاهد عشق و ارادت او به امام حسین(ع) باشد.

آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی سرانجام در سال ۱۳۶۹ هجری شمسی در نودوسه‌سالگی از دنیا رفت و بنا بر وصیت خودش، در کتابخانه معروفی که در قم ساخته بود، به خاک سپرده شد.

واکاوی فرازهایی از زیارت آل‌یاسین درباره تجسم عینی وعده الهی

انسان کامل، جام جهان‌نمای خداوند

گزارش

حانیه سالم| **انسان همواره در جست‌وجوی معنای خود و ریشه‌های حضورش در این جهان است. ما می‌پرسیم از کجا آمده‌ایم و به‌سوی چه کسی می‌رویم. پاسخ این پرسش‌های بنیادین، در پیوند میان دو مفهوم کلیدی «میثاق» و «وعده» نهفته است؛ پیمانی که در آغاز خلقت بسته شد و وعده‌ای که در پایان مسیر، به تحقق می‌پیوندد. مهدویت، تجسم عینی این پیوند است؛ یعنی همان نقطه‌ای که در آن وعده خداوند برای استکمال انسان، به واقعیت جاری در جهان بدل می‌شود. زیارت آل‌یاسین این حقیقت را در قالب تعابیری همچون «میثاق‌الله» و «وعدالله» به ما عرضه می‌کند.**

میثاق ازلی

«السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مِيثاقَ اللهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ: سلام بر تو ای پیمان خدا که آن را برگرفت و استوارش کرد!» در اندیشه شیعی، موجودات پیش از خلقت مادی، دارای مرتبه‌ای از وجود در عالم ملکوت هستند؛ مرتبه‌ای که منشأ و مبنای هستی مادی است. در این ساحت که «عالم ذر» نامیده می‌شود، تمامی مخلوقات در محضر الهی حضور داشتند و از آن‌ها میثاق گرفته شد: «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟» قرآن کریم باصراحت به این واقعه (آیه اَلست) اشاره می‌کند که در آن، خداوند از همگان پرسید: «آیا من پروردگار شما نیستم؟» و همگی پاسخ دادند: «بلی.»

پیوند میثاق و ولایت

اما زیارت آل‌یاسین، این میثاق را به مقام ولایت پیوند می‌زند. عبارت «یا میثاقَ الله الذی اَخذَه و وَکّدَه» نشان می‌دهد که خداوند در آن ساحت نخستین، از باب ولایت اهل‌بیت(ع)، میثاق گرفت و بر آن تأکید ورزید. این معنا بر این باور استوار است که مقام ولایت انسان کامل، در ذره‌ذره اجزای عالم جاری است و هیچ موجودی از این ولایت مستثنا نیست؛ از گریستن حیوانات بر مصیبت امام حسین(ع) تا اشتیاق موجودات غیرانسانی برای حضور در محضر ایشان، همگی گواهی بر این حقیقت است که محبت و میثاق الهی، در تمام ذرات عالم ریشه دارد.

وعده لایتغیر

«السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللهِ الَّذِي ضَمِنَهُ: سلام بر تو ای وعده خدا که آن را ضمانت کرد!» اگر میثاق، آغاز مسیر باشد، «وعده» بی‌شک منتهی و غایت آن است؛ چراکه مفهوم وعده، مستلزم رسیدن به انتهاست. این وعده را می‌توان از دو منظر نگریست: نخست، از منظر ظاهری در عالم مادی که همان وعده ظهور حضرت بقیه‌الله(عج) و تجلی انسان کامل در آخرالزمان است. دوم، از منظر باطنی و فراتر از ماده. یعنی همان هدف نهایی که کل هستی به سوی آن در حرکت است. تمام موجودات در یک حرکت صعودی به‌سوی تقرب الی‌الله در حال حرکت‌اند و مهدویت، تحقق عینی این صعود و رسیدن به غایت تکامل هستی است.



مظهر حق

«السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ، وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَهِ الْواسِعَه وَعْداً غَيْرَ مَكْذُوبٍ: سلام بر تو ای پرچم برافراشته و دانش سرریز و فریادرس و رحمت گسترده و وعده بی‌دروغ!» این فراز به یک حقیقت عمیق هستی‌شناسانه اشاره می‌کند. انسان کامل، جام جهان‌نمای حق تعالی است. خداوند که ذاتش از ادراک بشری فراتر است، برای جلوه‌گری در هستی، از دریچه انسان کامل به جهان می‌نگرد تا اصل بساطت و وحدت ذات حفظ شود. انسان کامل، «عَلَم منصوب» و نشانه آشکار باری تعالی است؛ او همچون آیینه‌ای تمام‌قد، حقیقت الهی را در اعلی‌مرتبه وجودی جلوه‌گر می‌سازد و هرگونه پرسش از ذات حق را از مجرای وجودی خود، پاسخ می‌دهد.

دانش سرریز

انسان کامل در مقام «عِلمُ المَصبوب»، واسطه تجلی علم خداوند به عالم است. همان‌گونه که تمام ویژگی‌های یک انسان در نطفه او نهفته است و با شناخت آن می‌توان به کل وجود فرد آگاه شد، در حقیقتِ انسان کامل نیز تمام مراتب هستی مندرج است. این پیوند تکوینی، مشابه زنجیره انسابی است که به نخستین خلیفه‌اللهی می‌رسد و تمام حقایق عالم را در خود دارد. از این‌رو، هر که به ژرفای وجودی انسان کامل معرفت یابد، به اسرار اجزای هستی نیز آگاه خواهد شد؛ چراکه علم الهی، برای حفظ بساطت ذات، از مجرای وجودی این انسان الهی بر تمامی کائنات، تبیین و محقق می‌شود.

رحمت بیکران

در ادامه این حقیقت، انسان کامل، مظهر «غَوث» و «رحمت واسعه» است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید که رحمت او همه‌چیز را فراگرفته است. این رحمت بیکران، همان حقیقت هستی است که تمام عالم را دربر می‌گیرد و در وجود انسان کامل تجلی یافته است. او فریادرس خستگان و واسطه فیض الهی برای تمام موجودات است. با شناخت این حقیقت، انسان درمی‌یابد که نظام هستی چگونه بر مدار این واسطه فیض می‌گردد. درحقیقت، دسترسی به رحمت واسعه الهی، فقط از طریق پیوند با این عَلَم برافراشته و حقیقت نوری انسان کامل، ممکن است تا سرانجام عالم به خیر ختم شود.

منبع: برگرفته از کتاب شرح زیارت آل‌یاسین، اثر محمد خیاط زنجانی

درنگ

کارگاه همدلی در سایه نذری‌های آیینی



مریم فتحی*| نذری پختن یکی از سنت‌های عمیق و پرمعنا در فرهنگ ایرانی اسلامی است. این سنت فراتر از یک آیین مذهبی ساده، بخشی از هویت جمعی شیعیان و جامعه ایرانی به‌شمار می‌رود. تقویت آیین‌های کهن، صیانت از هویت دینی و زنده نگه‌داشتن پیام عاشورا، از پیامدهای آشکار این سنت است. نذری پختن به‌عنوان یک پروژه مشترک اجتماعی، بستر مناسبی برای تقویت ارتباطات، انتقال ارزش‌ها به نسل جدید و آموزش فلسفه قیام حسینی فراهم می‌کند. ازسوی دیگر، تأمین هزینه‌ها و نیروی انسانی این آیین، جلوه‌ای از ایثارگری را به نمایش می‌گذارد و با تقویت هویت دینی بانوان و ایجاد حس تعلق به جامعه‌ای بزرگ‌تر، هم‌بستگی اجتماعی را افزایش می‌دهد.

کارگاهی برای مسئولیت‌پذیری

پخت نذری را می‌توان یک کارگاه آموزشی پویا برای کسب مهارت‌های گوناگون دانست؛ از تعاملات بین‌فردی گرفته تا خریدهای گروهی، شست‌وشو، نظافت و نظم‌بخشی به فضا. در این میان، مدیریت مادرانه و نظارت بزرگ‌ترهای خانواده (به‌ویژه مادربزرگ‌ها) علاوه بر تحکیم روابط، به همه اعضا می‌آموزد که حتی کوچک‌ترین وظایف نیز در جای خود حیاتی هستند. هماهنگی اعضا برای رسیدن به یک هدف مشترک، تمرین ارزشمندی برای مسئولیت‌پذیری اجتماعی است.

دنده‌های یک ساعت منظم

مجموعه پخت نذری مانند یک سیستم دقیق عمل می‌کند که کارکرد درست آن، به پیوند و همکاری اعضا وابسته است. وجود یک هدف مشترک و معنوی، به افراد کمک می‌کند تا از خواسته‌های شخصی خود برای رضایت الهی چشم‌پوشی کنند. این روحیه کار جمعی، منعطف بودن روابط بین‌فردی را آموزش می‌دهد؛ چراکه یک تشکیلات انسانی تنها با همدلی و انعطاف‌پذیری به نتیجه مطلوب می‌رسد.

انتقال شفاهی و رفتاری آیین‌ها

نذری پختن، نقشی کلیدی در صیانت از هویت فرهنگی دارد. بخش مهمی از این فرهنگ‌سازی در حین گفت‌وگوها و رفتارهای آیینی شکل می‌گیرد؛ رفتارهایی مانند طهارت و وضو گرفتن، شروع کار با بسم‌الله و چاشنی معنوی صلوات و توسل. بانوان با درگیر کردن اعضای خانواده در این مراسم، سنت‌ها را به نسل بعد منتقل می‌کنند؛ سنتی که گاه در قالب وصیت بزرگ‌ترها برای ادامه مسیر پخت نذری و برپایی روضه، ماندگار می‌شود.

چالش‌های هویت زنانه و راه‌های عبور

زنان در مسیر برپایی نذری با چالش‌هایی مانند تأمین هزینه‌های اقتصادی، جلب رضایت همسر و خستگی جسمی روبه‌رو هستند. یادآوری ارزش معنوی کار، توسل به اهل‌بیت(ع)، الگوگیری از تجارب بزرگ‌ترها و مشارکت جویی از دیگران، راهکارهای مؤثری برای مدیریت این چالش‌هاست. جالب اینجاست که در بسیاری از مواقع، افرادی که شاید درظاهر علایق مذهبی پررنگی ندارند، در حل چالش‌های پخت نذری، پیش‌قدم می‌شوند و از این طریق، پیوند جدیدی با آیین‌های حسینی برقرار می‌کنند.

معجزه تشکیلات خانوادگی

مدیریت بزرگ‌ترها در توزیع وظایف نذری، یک «تشکیلات» منسجم خانوادگی ایجاد می‌کند. در این ساختار، تفاوت سلیقه‌ها و حتی کدورت‌های قدیمی زیر سایه هدف مشترک، رنگ می‌بازد. هم‌سفره شدن، صله‌رحم، گفت‌وگوهای صمیمانه و توسل جمعی، ارتباطات خانوادگی را عمق می‌بخشد. تقسیم کار میان کودکان (امور ساده مثل آماده‌سازی سفره)، نوجوانان (توزیع نذری و خرید) و جوانان (مدیریت صوت و نظم مجلس)، پیوند میان نسلی را مستحکم می‌کند. مستندهایی همچون «روضه‌های خانگی» به‌خوبی نشان می‌دهند که چگونه این تجمعات مؤمنانه، برکاتی چون وصلت‌های جدید، گره‌گشایی‌های مالی و حل مشکلات خانوادگی را به همراه می‌آورد.

* پژوهشگر و مدرس حوزه علمیه

توصیه‌هایی به نسل جوان

برای امتداد این سنت پویا، توجه به چند نکته برای زنان جوان، ضروری است:

- همواره از توسل و دعا به درگاه اهل‌بیت(ع) مدد بگیرید.
- نذرها را متناسب با توان مالی و اجرایی خود تعریف کنید.
- به جای پرداخت صرف هزینه‌های مالی، خود را درگیر بخش‌های اجرایی کار کنید تا برکت خدمت را لمس کنید.
- با گفتمان‌سازی، نذر را راهکاری برای حل مشکلات، به فرزندان معرفی کنید تا از حالت عادت فردی به یک «مسئله جمعی» تبدیل شود.
- نذری پختن را فرصتی برای پیوند با همسایگان و اهل محل بدانید و به آن به چشم یک کارگاه آموزش همدلی و مدیریت، نگاه کنید.